

## پیش گفتار

### تکالیف انقلاب آتی ایران

اقتصاد ایران به علت ادغام در بازار جهانی سرمایه داری، عقب افتاده باقی مانده است. به سخن دیگر، دچار يك بحران دائمی ساختاری است. در نتیجه، در ایران مناسبات کهن ما قبل از سرمایه داری همراه با مناسبات تولیدی سرمایه داری در کنار یکدیگر وجود داشته و دارند (در کنار گاوآهن ها، تراکتوری های مدرن دیده می شوند). اما، بقای مناسبات کهن نمایانگر وجود چند وجه تولید در کنار یکدیگر نیست. در ایران صرفاً يك وجه تولید وجود دارد، آن هم وجه تولید سرمایه داری است. لیکن، در درون آن وجه تولید، مناسبات تولیدی سرمایه داری، شبه سرمایه داری و ما قبل از سرمایه داری به شکل پیچیده ای به هم پیوند خورده اند. ترکیب این مناسبات تولیدی (عمدتاً مالکیت بورژوازی بر ابزار تولید)، با نیروهای تولیدی (ابزار تولید و نیروی کار) در تضاد افتاده اند. برای رشد نیروهای مولده در جامعه، این تضاد باید حل شود. به منظور حل این تضاد نیز يك سلسله تکالیف مرکب بایستی انجام گیرند. از یکسو، تکالیف دمکراتیک انقلاب (مسئله ی ارضی، مسئله ی ملی، مسئله ی زن و مسئله ی رژیم دمکراتیک)؛ و از سوی دیگر تکالیف ضد سرمایه داری (استقرار اقتصاد با برنامه، اعمال کنترل کارگری بر تولید و توزیع و فراهم آوردن وضعیت مساعد برای استقرار خود-مدیریت کارگری).

در ایران به علت تحمیل سرمایه داری از بالا توسط امپریالیزم، بورژوازی نتوانسته و نمی تواند رشد عادی خود را انجام دهد. بورژوازی ایران همواره ناقص الخلقه و متکی بر امپریالیزم باقی خواهد ماند و هرگز قادر به حل تکالیف دمکراتیک انقلاب (مانند بورژوازی غرب) نخواهد شد. طبیعتاً تکالیف ضد سرمایه داری

نیز توسط يك دولت سرمایه داری حل شدنی نیست. «صنعتی» شدن ایران هرگز در چارچوب مناسبات بحران زده ی سرمایه داری تحقق نخواهد یافت. بدون الغای مالکیت خصوصی بر تولید و بدون برقراری يك اقتصاد با برنامه، تحت کنترل خود تولیدکنندگان، نمی توان از تکنولوژی مدرن در ایران استفاده کامل برد. در نتیجه، جامعه ی ایران، جامعه ای است با تضادهای بهم پیوسته. و انقلاب ایران، انقلابی است با تکالیف مرکب دمکراتیک و ضدسرمایه داری. تضاد اساسی در جامعه ایران، تضاد کار و سرمایه است. البته تضادهای میان نیروهای مولده در حال رشد و مناسبات ما قبل از سرمایه داری نیز همچنان وجود دارند. به این علت، انقلاب در ایران به صورت بسیار انفجاری، توده ای و عمیق ظاهر می شود. این انقلابی است که باید تضاد بین رشد نیروهای مولده و مناسبات سرمایه داری را حل کند. به سخن دیگر انقلابی است که باید عامل تشدید کننده این تضاد (یعنی دولت سرمایه داری) را نابود کند. بنابر این انقلاب ایران با یک خواست مرکزی همواره روبروست: *سرنگونی قهر آمیز قدرت دولتی.*

## ماهیت طبقاتی دولت فعلی ایران

دولت ایران در عصر کنونی همواره يك دولت سرمایه بوده است. زیرا که سلطه ی انحصارات بین المللی در اقتصاد ایران منجر به پیدایش يك دولت سرمایه داری شد. اما، برخلاف دولت های سرمایه داری غربی، دولت ایران ما حصل يك انقلاب بورژوا دمکراتیک نبوده، که محصول دخالت مستقیم امپریالیزم بوده است. نظام سرمایه داری توسط امپریالیزم، از بالا جایگزین يك نظام پیشا سرمایه داری شد. از این رو، دوران انقلاب دمکراتیک در ایران (از لحاظ انتقال قدرت دولتی به بورژوازی و نه از لحاظ تحقق تکالیف دمکراتیک)، سپری شده است. قدرت دولتی در دست بورژوازی است و هیچ بخشی از آن در انقلاب سهیم نخواهد بود.

## ماهیت طبقاتی دولت آتی ایران

چنانچه ماهیت طبقاتی دولت فعلی، بورژوایی باشد و چنانچه این دولت قادر نباشد که تکالیف مرکب انقلاب را حل کند، پس بدیهی است که تنها طبقه کارگر قادر به حل نهایی مجموعه تضادهای جامعه است. در نتیجه، انقلاب آتی نیز یک انقلاب کارگری است. در ایران، علی رغم تعداد قلیل طبقه کارگر نسبت به سایر زحمتکشان، این طبقه تنها طبقه ای است که قادر به بسیج سایر قشرهای تحت ستم و تدارک انقلاب در راستای حل تکالیف آن تا به آخر است. بدیهی است که دولت آتی، پس از سرنگونی دولت سرمایه داری، تنها یک دولت پرولتری است. به سخن دیگر، «رهبری» در دست طبقه کارگر است. متحدان طبقه کارگر نیز در انقلاب آتی، صرفاً دهقانان فقیر و نیمه پرولترها (و زنان و ملیت های تحت ستم) هستند. اما، در دوره پیشا انقلابی می توان حول مسائل خاص عملی با سایر قشرها، با حفظ استقلال سیاسی، در «اتحاد عمل»ها علیه رژیم سرمایه داری شرکت کرد.

مفهوم «رهبری» کارگری در انقلاب نیز اینست که قدرت سیاسی بایستی در دست طبقه ی کارگر باشد (اکثر آراء در دولت انقلابی از آن نمایندگان کارگران و دهقانان فقیر است- یعنی «نظام شورایی»). منظور از «انقلاب کارگری» نیز آغاز انقلاب سوسیالیستی است. پس از سرنگونی دولت سرمایه داری در ایران، طبقه کارگر و متحدانش متشکل در دولت کارگری، آغاز به حل تکالیف مرکب دمکراتیک و ضد سرمایه داری می کنند. دیوار چینی حل تکالیف دمکراتیک و ضد سرمایه داری را از هم جدا نمی کند.

اما، با آغاز انقلاب کارگری در یک کشور، جامع (از لحاظ اقتصادی) «سوسیالیستی» نخواهد شد. ساختن سوسیالیزم یک مسئله ملی نیست. سوسیالیزم صرفاً در سطح بین المللی قابل تحقق است. در یک کشور عقب افتاده مانند ایران، می توان ساختمان سوسیالیزم را پس از تسخیر قدرت، آغاز کرد (اقتصاد با برنامه را

مستقر کرد)، اما نمی‌توان آن را در محدوده یک کشور به پایان رساند. سوسیالیسم صرفاً در مقیاس بین‌المللی و پس از انقلاب‌های سوسیالیستی، حداقل در چند کشور پیشرفته به پیروزی خواهد رسید. اما، این به این مفهوم نیست که باید امر تدارک انقلاب‌های سوسیالیستی را به تعویق انداخت. تسخیر قدرت توسط پرولتاریا باید در هر کشوری که شرایط ذهنی (رهبری انقلابی) آماده‌ای داشته باشد، آغاز گردد. این خود پیروزی انقلاب‌ها را در سایر کشورها تسریع می‌کند. دوره کنونی، دوره طغیان‌های توده‌ای و انقلاب‌های کارگری است. در ایران نیز وضعیت عینی برای تسخیر قدرت آماده است. در نتیجه وظیفه سوسیالیست‌های انقلابی تدارک برای تسخیر قدرت توسط پرولتاریا و آغاز انقلاب سوسیالیستی است.

## مازیار رازی

اهداف و اصول سوسیالیست‌های انقلابی ایران

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N 3XX, UK

ایمیل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری